

تاریخ ارسال: ۱۴۰۱/۱۱/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۷



10.22034/nf.2024.211740

# طبقه‌بندی انواع تأثیرپذیری از شعر پارسی در آثار ادبی قرن نوزدهم انگلیس، فرانسه و آلمان

آزیتا آزادی\* (دانش‌آموخته دکتری، زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران)

**چکیده:** نشانه‌های اثرپذیری از زبان و ادب فارسی در جامعه ادبی اروپا در قرن نوزدهم به‌ویژه در متون مکتب رمانتیسیسم هویداست. متخصصان ادبیات تطبیقی تاکنون تعداد بسیاری از این آثار را شناسایی کرده و هرکدام به شیوه خود و با ابزار توضیح و تشریح متن به اثبات تأثیرپذیری این متون از ادبیات فارسی پرداخته‌اند. در این مقاله، کوششی برای طبقه‌بندی انواع این اثرپذیری صورت گرفته است. برای رسیدن به این هدف، چهل متن متأثر از ادبیات فارسی در سه زبان انگلیسی، فرانسوی و آلمانی شناسایی شدند و بنابر شیوه اثرپذیری نویسندگانشان در دسته‌های گوناگون تعریف شده این تحقیق جای گرفتند. بدین ترتیب، می‌توان هر یک از آثار را در ذیل یکی از روش‌های دوازده‌گانه زیر گنجانند: ۱. ترجمه آزاد؛ ۲. تمجید از شاعران ایرانی؛ ۳. نمود تأثیرپذیری در عنوان اثر؛ ۴. ذکر نام شاعران؛ ۵. استفاده از نام اماکن و شخصیت‌های برجسته؛ ۶. تضمین کلام یا حکایت‌های مشهور فارسی؛ ۷. تقلید آشکار؛ ۸. تبعیت در فرم و قالب؛ ۹. بهره‌وری واژگانی از مؤلفه‌های آیینی ایرانی؛ ۱۰. بهره‌وری از وام‌واژه‌ها؛ ۱۱. ساختار شرقی اثر؛ ۱۲. تأثیرپذیری مستتر.

**کلیدواژه‌ها:** تأثیرپذیری، ادبیات قرن نوزدهم اروپا، رمانتیسیسم، خاورشناسان

### مقدمه

زبان و ادبیات فارسی، به همت بزرگ‌مردانی که آن را به نظم و نثر در قالب‌ها و گونه‌های متعدد درآورده‌اند، پس از عهد رنسانس و گسترش تعامل حکومت‌ها، طرف توجه سخن‌سنجان جوامع اروپایی قرار گرفت و به عاملی اثرگذار بر ذهن و زبان ادیبان مغرب‌زمین مبدل شد. آشنایی جامعه ادبی اروپا با ادبیات فارسی مرهون ترجمه‌های گسترده‌ای بود که از آثار کلاسیک ایرانی به قلم خاورشناسان صورت می‌پذیرفت. ترجمه متون فارسی در قرن نوزدهم رواج فراوان یافت. در پایان این سده، ترجمه‌های مختلفی، اعم از گزیده یا جامع، از آثار پراهمیت زبان و ادبیات فارسی چون شاهنامه، گلستان، بوستان، هزارویک شب، کلیله و دمنه، و اشعار حافظ، خیام، مولوی، جامی، عطار، نظامی و... وجود داشت. مطالعه این متون بر ادبیات سده نوزدهم بسیار اثر نهاد و تأثیرپذیری از آن به شکل خودآگاه یا ناخودآگاه در آثار نویسندگان مختلف هویدا می‌شد. این مقاله در صدد است نشان دهد چگونه می‌توان رابطه دو متن را تفسیر کرد و چه ابزاری برای کشف و شناسایی اثرپذیری‌ها وجود دارد و پژوهندگان ادبیات تطبیقی در این باب چه اسلوبی به کار بسته و به چه شیوه‌هایی متوسل شده‌اند. به این منظور، پیکره‌ای از چهل اثر از ادیبان سه کشور انگلستان، فرانسه و آلمان، با توجه به پیشتازی آنها در اثرپذیری از ادبیات فارسی در اروپا، فراهم و کوشش شد طبقه‌بندی نظام‌مندی از انواع روابط تأثیر و تأثر در این آثار انجام پذیرد.

ملاک انتخاب آثار، بسامد کیفی و کمی آنها در اثرپذیری از ادبیات فارسی است. همه آثار در فاصله زمانی ۱۸۰۰ تا ۱۹۰۰ میلادی نوشته شده‌اند. این دوره از مقاطع اوج اثرپذیری اروپا از فرهنگ و ادبیات شرق است و از دیگر دوره‌ها کاملاً متمایز است. یافته‌های این مقاله را می‌توان به دیگر قرون نیز تعمیم داد.

### پیشینه مطالعاتی

تاکنون آثار متعددی در باب نمونه‌های اثرپذیری ادبیات کشورهای غربی از ادبیات فارسی نوشته شده است. در آثار مورد بررسی، روش تطبیق‌گران معمولاً تحلیل متن و اثبات اثرپذیری و تفسیر و توضیح آن بدون اعمال طبقه‌بندی بوده است. در آثار مرجع ذیل همین شیوه اساس عمل است: نامور مطلق، بهمن. مجموعه ادبیات تطبیقی آئینه آب: تأثیرپذیری پانزده نویسنده بزرگ غربی از شاعران ایرانی. تهران: همشهری، ۱۳۸۴.

جوادی، حسن. تأثیر ادبیات فارسی در ادبیات انگلیسی. تهران: سمت، ۱۳۹۶.

صورتگر، کرب. افسانه‌ها و داستان‌های ایرانی در ادبیات انگلیسی. تهران: نشر دانشگاه تهران، ۱۳۵۷.

شفا، شجاع‌الدین. ایران در ادبیات جهان. تهران: ابن‌سینا، ۱۳۳۲.

حدیدی. جواد. از سعدی تا آراگون. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۹۳.

آذر، امیراسماعیل. ادبیات ایران در ادبیات جهان. تهران: سخن، ۱۳۸۷.  
هنرمندی، حسن. آندره ژید و ادبیات فارسی. تهران: زوار، ۱۳۴۹.  
هنرمندی، حسن. بنیاد شعر نو در فرانسه و پیوند آن با شعر فارسی. تهران: زوار، ۱۳۵۰.  
مارتینو، ژان پیر. شرق در ادبیات فرانسه قرون هفدهم و هجدهم. ترجمه جلال ستاری. تهران: مرکز، ۱۳۸۱.  
یوحنا، جان. دی. گستره شعر پارسی در انگلستان و امریکا. ترجمه احمد تمیم‌داری. تهران: روزنه، ۱۳۸۵.

فرانکلین دین، لوئیس. مولانا دیروز تا امروز، شرق تا غرب. ترجمه حسن لاهوتی. تهران: نامک، ۱۳۹۰.  
Meester, Marie E. *Oriental Influences in the English Literature of the nineteenth century*. Heidelberg: C. Winter, 1915.  
Remy, Arthur Frank Joseph. *The Influence of India and Persian on the Poetry of Germany*. New York: The Columbia University Press, 1901.  
Hadded, Emily A. *Orientalist Poetics: The Islamic Middle East in nineteenth Century English and French Poetry*. United Kingdom: Taylor & Francis Group, 2002.

در مقالات این مبحث نیز، به تاسی از کتب مرجع مذکور، همین شیوه در پیش گرفته شده است و اگر دسته‌بندی خاصی نیز در آن پژوهش‌ها صورت پذیرفته باشد، دارای محدودیت و مختص به همان نمونه مورد بررسی است. مقاله حاضر، ضمن صحنه نهادن بر روش استادان یادشده و بهره‌مندی وافر از آثار آنان، طبقه‌بندی دوازده‌گانه‌ای از نوع و شیوه اثرپذیری پیشنهاد داده است که گامی نو به شمار می‌آید.

### شیوه‌های تأثیرپذیری از متون فارسی در ادبیات قرن نوزدهم انگلستان، فرانسه و آلمان

با تلاش‌های گسترده محققان و خاورشناسان متعدد اروپایی در ترجمه و بررسی آثار فارسی، زمینه لازم برای آشنایی جامعه ادبی غرب با گنجینه‌های نظم و نثر فارسی هموار شد. انتشار تألیفات خاورشناسان و دسترسی ادیبان و شاعران غربی به آنها به‌ویژه در قرن نوزدهم و در مکتب رمانتیسم نمود بارزی داشت. «رمانتیسم و خاورشناسی همزاد بودند و در یکدیگر تأثیری متقابل داشتند. شعرا خاورشناسان را به ترجمه شاهکارهای ادبی سوق می‌دادند و خاورشناسان وسایل کار را برای شعرا فراهم می‌آوردند» (حدیدی ۲۴۶). از این رو، آثار نظم و نثر رمانتیست متعددی در اروپای قرن نوزدهم به وجود آمد که نشانه‌های تأثیرپذیری از زبان و ادبیات فارسی، با کم و کیف گوناگون، در آنها مشهود است. در پژوهش حاضر، شیوه‌های گوناگون این اثرپذیری شناسایی و در دوازده دسته طبقه‌بندی شده است. در این دسته‌بندی، دو نکته را باید در نظر داشت:

الف) بین شیوه‌های مختلف اثرپذیری، لزوماً مرزبندی دقیقی وجود ندارد.  
ب) در اغلب آثار، چندین روش اثرپذیری دیده می‌شود.  
با این توضیح، انواع اثرپذیری از شعر فارسی در آثار ادبی قرن نوزدهم اروپا به شکل زیر دسته‌بندی می‌شود:

### ۱. ترجمه آزاد، مانند:

۱.۱. منظومه سهراب و رستم<sup>۱</sup> (۱۸۵۳). مَتیو آرنولد<sup>۲</sup> (۱۸۲۲-۱۸۸۸)، شاعر و محقق سده نوزدهم انگلستان به ادبیات ایران و به‌ویژه شاهنامه فردوسی علاقه‌مند بود. او منظومه‌ای در توصیف نبرد رستم و سهراب به صورت ترجمه آزاد سروده است. «در این اثر، مضمون و بن‌مایه اثر شرقی است، لیکن سبک اثر — همان‌گونه که از آرنولد انتظار می‌رود — بیشتر آثار کلاسیکی چون سبک هومر را به یاد ما خواهد آورد» (میستر<sup>۳</sup> ۶۱).

پاره‌ای از ابیات این اثر:

لشکرگاه تاتاران را که در کنار رود برپا شده بود  
خاموشی فرا گرفته بود و هنوز مردان در خواب فرورفته بودند.  
تنها سهراب، همه‌شب نخفته، بیدار مانده و در بستر غلتیده بود. (آرنولد ۱)

زمان، مکان، ترتیب حوادث و تعدادی از شخصیت‌ها در این اثر با شاهنامه تفاوت دارد و نشانه‌های فکری و فرهنگی غربی در آن هویداست.

۱.۲. شعرهای خانه و مدرسه<sup>۴</sup> (۱۸۸۹). اوژن مانوئل<sup>۵</sup> (۱۸۲۳-۱۹۰۱)، شاعر و نمایش‌نامه‌نویس سده نوزدهم فرانسوی، در اثر مذکور ترجمه آزادی از برخی حکایات سعدی گنجانده است. به‌عنوان نمونه:

به یاد می‌آورم زمانی که کودک بودم، از جوان تا پیر گرفته، همه به خواب سنگینی فرورفته بودند.  
من به پدرم که کنارم نشسته بود، گفتم: «ببینید! گویا همه خوابیده‌اند. فقط من هستم که با اراده همراه شما دعایم را می‌خوانم.»

ایشان با لحنی جدی چنین پاسخ دادند: «پسرم، گذشت و مدارا بزرگ‌ترین تقوا است. اگر تو واقعاً مشغول دعا بودی، چگونه خواب بودن بقیه را دیدی؟!» (مانوئل ۱۱۹)

این حکایت منظوم ترجمه آزادی از این حکایت است:

یاد دارم که در ایام طفولیت متعبد بودمی و شب‌خیز و مولع زهد و پرهیز. شی در خدمت پدر رحمة‌الله علیه نشسته بودم و همه‌شب دیده برهم نبسته و مصحف عزیز بر کنار گرفته و طایفه‌ای گرد ما خفته. پدر را گفتم: از اینان یکی سر بر نمی‌آرد که دوگانه‌ای بگزارد. چنان خواب غفلت برده‌اند که گویی نخفته‌اند که مرده‌اند. گفت: جان پدر! تو نیز اگر بخفتی به از آنکه در پوستین خلق افتی. (سعدی ۱۱۲)

1. *Sohrab and Roustum*  
4. *Poesies du foyer et de l'ecole*

2. Matthew Arnold  
5. Eugene Manuel

3. Meester

۱.۳. اشعار ادوارد هنری پالمرا<sup>۱</sup> (۱۸۴۰-۱۸۸۲). پالمری یکی از بزرگ‌ترین خاورشناسان انگلیسی سده نوزدهم بود که در زبان‌های فارسی، اردو و عربی مقام استادی داشت و «در هر سه زبان شعر هم می‌گفت» (جوادی ۳۱۷). او یکی از رمانتیسیست‌ترین چهره‌های مطالعات خاورشناسی است و برخی از آثار ادیبان ایرانی، چون خیام، سعدی، حافظ، فردوسی، مولوی و انوری را به شیوه آزاد به انگلیسی بازگردانده است. نمونه‌ای منتخب از نی‌نامهٔ مثنوی:

به این نی گوش فراده، که با نوایی آهسته از فراق مأوایش می‌نالد.

از آن زمان که مرا از نیستان برچیده‌اند، با سوزوگداز، در حال مویه و ناله‌ام. (پالمرا ۳)

پالمرا در اشعارش از بسیاری از شخصیت‌های شعر ایرانی چون رستم، اکوان دیو و... نام می‌برد و همواره به روش ترجمه آزاد خود پایبند است.

## ۲. تمجید از شاعران ایرانی، چون:

۲.۱. زندگی مردان بزرگ<sup>۲</sup> (۱۸۶۵). آلفونس دُ لامارتین<sup>۳</sup> (۱۷۹۰-۱۸۶۹)، نویسنده و شاعر فرانسوی اهم اشعار فارسی را مطالعه کرده و بیش از همه به خیام، فردوسی و حافظ نظر داشته است. او پس از آشنایی با شاهنامه کتاب زندگی مردان بزرگ را خلق می‌کند و در آن به تمجید از شخصیت رستم و خود فردوسی می‌پردازد:

این داستان که حماسی‌ترین و دراماتیک‌ترین ایده از شرق کهن را ارائه می‌دهد خود شرق است؛ شرق حی و زنده. این داستان شرح حال زندگی بزرگ‌مردانی است که نامشان را از زمان‌های بسیار دور تا زمان حال به دوران‌های مختلف تمدن بشری تحمیل کرده‌اند. (زندگی ۶۵)

لامارتین همچنین در کتاب‌های سفر شرق<sup>۴</sup> (۱۸۳۶) و سقوط یک فرشته<sup>۵</sup> (۱۸۳۸) به ایران و ادبیات ایران زمین توجه داشته است. (آذر ۴۴۴)

۲.۲. شعر «دوقبر». فرانسوا کوپه<sup>۶</sup> (۱۸۴۲-۱۹۰۸)، شاعر، نمایش‌نامه‌نویس و نویسنده داستان‌های کوتاه فرانسوی بود. این شخصیت به سبب بازتاب احساسی زندگی اقشار ضعیف جامعه در آثارش مشهور است. او در بزرگ‌داشت شخصیت فردوسی شعر «دوقبر» را سروده:

تیمور، پس از آنکه شهر توس را گشود، بفرمود تا از کشتار مردم آن دست بازدارند

زیرا فردوسی، شاعر ایرانی، در آنجا به سربرده بود. (حدیدی ۲۷۵)

۲.۳. افسانهٔ قرون<sup>۷</sup> (۱۸۵۹). ویکتور هوگو<sup>۸</sup> (۱۸۰۲-۱۸۸۵)، شاعر و سیاستمدار فرانسوی سده نوزدهم، با ادبیات و فرهنگ و ادیان شرق آشنایی زیادی داشت. او به کمک ترجمه‌هایی که در

1. Edward Henry Palmer  
4. *Le Voyage en Orient*  
7. *La Legende des siècles*

2. *Vie des grands homes*  
5. *La Chute d'un Ange*  
8. Victor Marie Hugo

3. Alphonse de Lamartine  
6. Francois Edouard Joachim Coppee

اختیار داشت اشعار سعدی، حافظ، فردوسی و عطار را مطالعه کرده بود و نشانه‌های اثرپذیری از آنان در آثاری چون «شرقی‌ها» و «برگ‌های پاییزی» و بیش از همه افسانه قرون، که در آن به تمجید از فردوسی پرداخته، آشکار است:

پیش از این در شهر میسور با فردوسی آشنا شدم.  
...جلالی چون پادشاهان داشت که گستاخان را بر آستانشان راهی نیست. (شفا ۶۰)

هوگو همچنین در برخی از اشعار خود از سعدی نام برده است.  
۲.۴. نمایش نامه رؤیای خیام<sup>۱</sup> (۱۸۹۲). این اثر موریس بوشور<sup>۲</sup> (۱۸۵۵-۱۹۲۹) فرانسوی در سال ۱۸۹۲ به روی صحنه رفت. اثرپذیری نویسنده از افکار و عقاید خیام در آن هویدا است:

با بالا رفتن پرده نمایش خیام با سرعت روی صحنه می‌آید.  
نگاه وی، صدایش و حرکاتش همگی هیئت مردی کاملاً مست را نشان می‌دهد.  
...من به لذت‌های بی‌ارزش و زودگذری که دوامی نداشته و دیری نمی‌پایند تمایلی ندارم. (بوشور ۱۲)  
بوشور، ضمن ارج نهادن به جهان‌بینی خیام، ترجمه‌ای از اشعار او را در نمایش نامه خود می‌گنجاند. او در کتاب عشق و دریا<sup>۳</sup> (۱۸۷۶) نیز تحت تأثیر عطار است.

۲.۵. اساطیر و اشعار<sup>۴</sup> (۱۸۹۴). آندره بلسور<sup>۵</sup> (۱۸۶۶-۱۹۴۲)، شاعر و نویسنده و جهانگرد فرانسوی، به اشعار سعدی، به ویژه کتاب گلستان، توجه داشت. این علاقه مندی در چکامه‌ای از کتاب اساطیر و اشعار او هویدا است. بلسور در سرایش این اثر «طنز و مطایبه و انتقادهای اجتماعی را هم با آن درآمیخته است» (حدیدی ۳۰۷):

شاعری پارسی‌گو که با طبع لطیفش گل را معشوقه بلبل نامید... روزهای سختی را در زندانی تاریک و  
نمور می‌گذراند.

طبع لطیف و بذله‌گویی هدف خشم شاه قرار گرفته بود. (بلسور ۴۹)  
بلسور در این چکامه از طریق بیان بخشی از زندگی سعدی از اوضاع اجتماعی و معیشتی خود و سایر شاعران انتقاد می‌کند.

۲.۶. مجموعه پندار<sup>۶</sup> (۱۸۷۵-۱۸۹۳). آنری کزلیس (ژان لاهور)<sup>۷</sup> (۱۸۴۰-۱۹۰۱)، پزشک و شاعر سمبولیست فرانسوی، «با عرفان اسلامی و تصوف ایرانی و فلسفه هندو آشنایی داشت» (حدیدی ۳۷۵). کزلیس با مطالعه اشعار حافظ شیفته او شد:

دیوانه گل‌ها بود،  
روحي شعله‌ور و بی‌قرار داشت، و در آتش عشق ماهرویان می‌سوخت...  
اما... به عشق الهی روی آورد. (همان ۶۶۲)

1. *Le songe de Khèyam*  
4. *mythes et poems*  
7. Henri Cazalis (Jean Lahor)

2. Maurice Bouchor  
5. Andre Bellesort

3. *Les pöemes de l'amour et de la mer*  
6. *L'illusion*,

او در قطعه‌ای دیگر با خیام درددل می‌کند:

درود به خیام.

آن خردمند ملکوتی که رباعیات او مستی عارفانه و بی‌پایان خدا و شراب و زن را برای روح ما همراه می‌آورد. (آذر ۴۴۵)

این شاعر فرانسوی به‌درستی مضامین شعر فارسی را دریافته است و اهم موارد و مسائل آن را می‌شناسد. توجه کزلیس به شعر خیام هم در مضامین و هم در فرم ادبی اشعار او نمود می‌یابد. او در آثارش از مولانا، عطار، غزالی و جامی نیز نام برده است.  
۲.۷. میناها و حکاک‌ها<sup>۱</sup> (۱۸۵۲) و شرق<sup>۲</sup> (۱۸۷۷). تنوفیل گوتیه<sup>۳</sup> (۱۸۱۱-۱۸۷۲)، از شاعران و منتقدان قرن نوزدهم فرانسه، به اشعار خیام که آنها را از طریق ترجمه نیکلا خواننده بود علاقه‌مند شد. مجموعه آرای وی در باب اشعار و شخصیت خیام در ضمن مقالاتی آمده است که پس از مرگش در کتابی به نام شرق به چاپ رسید. گوتیه در خلال این مقالات تعدادی از رباعیات خیام را به نثر فرانسوی برگردانده است:

انسان از این آزادفکری مطلق که گستاخ‌ترین متفکران معاصر را یاری برابری با آن نیست... به شگفت می‌آید... در این اشعار کوتاه، شاعر بلندپایه ایرانی حتی سرگذشت ذره‌ای خاک را در گل کوزه‌گران و خشت لب بام‌ها دنبال کرده است. (حدیدی ۳۶۸)

گوتیه در باب تصوف خیام آورده است:

عمر خیام، در بحبوحه جنگ و نبردها و اختلافات، در سکوتی در انزوای دهکده آرام خود با اشتیاق فراوان به فلسفه صوفیه، که تفکر آزاداندیشانه مردمان شرقی است، می‌پرداخت. «گوتیه ۶۲»

گوتیه همچنین در کتاب میناها و حکاک‌ها شاعران ایرانی چون حافظ، سعدی و نظامی را می‌ستاید:

گوته در شهر وایمار از همه چیز دوری گزیده بود تا تنها به دیوان خود بپردازد و فقط گل‌های باغ حافظ را پرپر کند، من نیز... میناها و حکاک‌ها را سرودم. (شفا ۱۱۶)

۲.۸. اشعار نیچه. فریدریش ویلهلم نیچه<sup>۴</sup> (۱۸۴۴-۱۹۰۰)، شاعر و فیلسوف آلمانی و صاحب‌نظر در فلسفه و الهیات و جهان‌شناسی، از شناخته‌شده‌ترین و اثرگذارترین چهره‌های فلسفی قرن نوزدهم بود. نیچه به فرهنگ شرقی و آیین اوستایی و تاریخ و ادبیات ایران علاقه‌مند بود. آثار این حسن نظر در تعدادی از کتاب‌های او مانند چنین گفت زرتشت<sup>۵</sup> (۱۸۸۳-۱۸۸۵)، حکمت شادان<sup>۶</sup> (۱۸۸۲)، فراسوی نیک و بد<sup>۷</sup> (۱۸۸۶)، تبارشناسی اخلاق<sup>۸</sup> (۱۸۸۷) و اشعار او نمایان است. پاره‌ای خطاب به حافظ:

1. *Emaux et Camees*

4. Friedrich Wilhelm Nietzsche

7. *Jenseits von Gut und Bose*

2. *l'Orient*

5. *Also sprach Zarathustr*

8. *Zur Genealogie der Moral*

3. Théophile Gautier

6. *Die frohliche Wissenschaft*

تو همه‌ای، تو هیچی، میخانه‌ای، می‌ای، ققنوسی، کوهی، موشی،  
...تو و شراب؟! (نیچه ۱۱۶)

۲.۹. دیوان غربی - شرقی<sup>۱</sup> (۱۸۱۹). یوهان ولفگانگ فون گوته<sup>۲</sup> (۱۷۴۹-۱۸۳۲) ادیب و فیلسوف نامی قرن هجدهم و نوزدهم بود. او در ۱۸۱۹ دیوان غربی - شرقی، یعنی بزرگ‌ترین اثرش را که مربوط به ایران بود، سرود. تقلید از حافظ و تمجید از شعر و سرزمین و فرهنگ او به مهم‌ترین هدف گوته در این دیوان مبدل شد.  
پاره‌ای از ابیات او:

ای حافظ قدسی، تو را لسان‌الغیب نامیده‌اند و سخندانان ارزش کلامت نشناخته‌اند. (گوته ۸۰)  
آنچه دیگران خواهند تو خود دانی؛ آن همه را تو دریافته‌ای. (همان ۸۱)

بهره‌مندی گوته از مضامین و مفاهیم شعر حافظ ذیل موضوع موردنظر او در دیوان غربی - شرقی در قالب مستقیم و به شکل تقلید و تمجید و تکرار واژه‌های شعر او و نیز به شکل اثرپذیری کلی و ساختاری نمود یافته است.

### ۳. نمود اثرپذیری در عنوان اثر

در این گونه اغلب قطعه‌ای از یک اثر مجزا شده و به یکی از اجزای فرهنگ و ادب ایرانی اختصاص یافته و با آن عنوان گرفته است. مانند آثار زیر:

۳.۱. فردوسی در تبعید<sup>۳</sup> (۱۸۸۵). سرادموند گاس<sup>۴</sup> (۱۸۴۹-۱۹۲۸)، شاعر و نویسنده انگلیسی سده‌های نوزدهم و بیستم، این اثر را در بیان علاقه‌مندی خود به این شاعر ایرانی به نگارش درآورد:  
فردوسی، بزرگ‌ترین شاعران جهان، هموست که زبانش پارسی شیرین است و چون نوازش شاخ و برگ درختان زیر باران است... نام وی شکوه و مباحات بسیاری برای ایران به ارمغان آورد، لیکن مهجور و در تبعید ماند. (گوس ۷)

۳.۲. «انعکاسات هزارویک شب»<sup>۵</sup> (۱۸۳۰) و «پارسی»<sup>۶</sup> (۱۸۲۷). آلفرد تنیسن<sup>۷</sup> (۱۸۰۹-۱۸۹۲) از نامدارترین و محبوب‌ترین شاعران انگلیسی در دوره مورد نظر است. او منظومه «انعکاسات هزارویک شب» را - همان‌گونه که از نام آن پیداست - در باب این اثر ایرانی - هندی نوشته است:

آن زمان که در نزدیکی رود دجله متولد شده بودم، در میان مسلمین به حقیقت قسم خورده،  
همه این زیبایی‌ها در روزگار پیشوایی هارون‌الرشید نیکوسرشت بود. (تنیسن ۸)

در «افسانه ایران‌زمین»<sup>۸</sup> آورده است:

1. *West ostlicher Diwan* 2. Johan Wolfgang von Goethe 3. *Firdausi in Exile*  
4. Sir Edmund William Gosse 5. "Recollections of *The Arabian Nights*" 6. "Persia"  
7. Alfred Tennyson 8. "A Legend of Old Persian"

در گلستانی از سرزمین ایران، سال‌ها پیش، به نقل از گفته شعرا،  
در محل تلاقی سه رودخانه، مردمانی شادکام سکنی گزیده بودند. (همان ۱۲)

در قطعه‌ای از دو برادر<sup>۱</sup> (۱۸۲۷) به نام «پارس» چنین آورده:

ایران سرزمین مردمان چشم‌روشن بلندپشانی است،  
جایی که هر نسیم خوش‌رایحه‌ای عطر گل‌های آفتابی را به همراه دارد. (همان ۷۶۱)

با وجود آنکه اشعار تینسن در «عنوان» نمودار اثرپذیری از ادبیات شرق هستند، در اشعارش  
به‌وضوح از شاعران ایرانی نام نمی‌برد و تقلید نمی‌کند لیکن با مطالعه این آثار، اثرپذیری از حافظ  
و تا حدودی خیام در مضمون آنها دیده می‌شود.

۳.۳. «محلل سمرقند»<sup>۲</sup> (۱۸۰۵). یواسن دُ لاشابوسی<sup>۳</sup> (۱۷۵۲-۱۸۲۰) فرانسوی، در نمایش‌نامه‌ای که به نام  
«گلستان» یا «محلل سمرقند» معروف است، بر ذهن و زبان نویسندگان و شاعران بعد از خود تأثیر گذاشت و  
توجه شیفتگان رمانتیسیسم را به خود جلب کرد (آذر ۳۵۷). منشأ اثر این نمایش‌نامه فقط کتاب گلستان  
سعدی نیست بلکه بیش از آن به داستان‌های هزارویک شب و حکایت «علاءالدین ابوالشامات» نظر دارد.  
۳.۴. منظومه «فردوسی شاعر»<sup>۴</sup> (۱۸۵۱). هاینریش هاینه<sup>۵</sup> (۱۷۹۷-۱۸۵۶)، ادیب، روزنامه‌نگار و  
منتقد نامی، منظومه فوق را در وصف شاهنامه و سختی‌های سرایش آن سروده و در کتاب رومانس<sup>۶</sup>  
گنجانده است:

فردوسی، نگارنده شاهنامه که کتابی نامدار و آسمانی است. او این حماسه بزرگ را به فرمان شاه نگاشت،  
شاهی که برای هر مصرع آن، دهش یک سکه زرین را وعده داد» (هاینه ۱۰۲).

هاینه در این شعر بلند به‌زیبایی ماجرای فردوسی و سلطان محمود را در سه صحنه شرح می‌دهد.  
۳.۵. شب‌های پارسی<sup>۷</sup> (۱۸۶۵-۱۸۹۶). آرمان رنو<sup>۸</sup> (۱۸۳۶-۱۸۹۵) شاعر مطرح فرانسه و پیرو  
مکتب پاراناس بود. فردوسی، خیام، حافظ، سنایی، عطار، جامی و مولوی شعرای موردتوجه رنو  
بودند. اشعار عرفانی و مذهبی عطار و حافظ بیش از همه در شعر او اثر نهاد که در کتاب مذکور نمود  
یافته است. وی قطعاتی از اشعار این ادیبان ایرانی را در اثر خود به شکل آزاد ترجمه کرده است:

پری‌رویای زابلستان چون غزالانی که از نیش مگسان به جست‌وخیز آیند به پایکوبی برخاسته‌اند.  
ناخن‌های لطیفشان به رنگی گلگون آراسته است اما هیچ‌کس به‌جز سلطان آنان حق دیدن این  
زیبارخان را ندارد. (شفا ۲۲۸)

رنو در اشعار خود به شکل گسترده‌ای از ادبیات پارسی تأثیر گرفته است. اثرپذیری او هم  
واژگان و مفاهیم را دربرمی‌گیرد و هم شکل ادبی و زبانی آن بسیار به شعرهای پارسی شباهت دارد.  
عنوان اثر او، یعنی شب‌های پارسی، نمودار کامل وسعت این اثرپذیری است.

1. *Two Brothers* 2. *Gulistan ou Les hulla de Samarcande* 3. *Poisson de la Chabeaussiere*  
4. "Der Dichter Firdusi" 5. Christian Johan Heinrich Heine 6. *Romanzen*  
7. *Les Nuits Persane* 8. Armand Renaud

۳.۶. «گل‌های اصفهان»<sup>۱</sup> (۱۸۸۶). شارل ماری رنه لکننت دُ لیل<sup>۲</sup> (۱۸۱۸-۱۸۹۴)، شاعر، نمایش‌نامه‌نویس و مترجم فرانسوی قرن نوزدهم و از بانیان مکتب ادبی پاراناس، تحت‌تأثیر اشعار سعدی شکواییه «گل‌های اصفهان» را سروده است:

گل‌های کرکین جامه اصفهان و یاسمن‌های موصل و شکوفه‌های نارنج همه معطرند.  
اما دم لطیف تو، ای لیلائی سیمین‌تن، از عطر همه آن‌ها تروتازه‌تر و از بوی همه آن‌ها دل‌پذیرتر است. (شفا ۱۱۸)

در این شعر — همان‌گونه که از نام آن پیداست — ساختار شعر و توصیفات یادآور فضایی ایرانی است و به تبعیت از اشعار غنایی فارسی، وصف طبیعت غالب است.

۳.۷. «گل‌های سعدی»<sup>۳</sup> (۱۸۶۰). مارسلین دبورد والمور<sup>۴</sup> (۱۷۸۶-۱۸۵۹) بانوی هنرپیشه، شاعر و نویسنده و رمانتیک‌نویس فرانسوی در سده هجدهم و نوزدهم از ادبیات فارسی بیشتر به شعر و شخصیت سعدی توجه داشت و تحت‌تأثیر او این قطعه را سرود:

بامدادان خواستم برایت گل‌های سرخ ارمغان آرم.  
اما آن قدر گل در دامنم انباشتم که بند فشرده آن تاب نیاورد و گسست. (شفا ۸۰)

علاوه بر عنوان منظومه که حاوی نام سعدی است، الهام‌پذیری از دیباچه گلستان نیز در قطعه مذکور آشکار است.

#### ۴. ذکر نام شاعران

در این شیوه، شاعر اروپایی، به سبب آشنایی پیشین، در لابه‌لای اثرش از شاعران ایرانی نام می‌برد، لیکن چندان به آنان نمی‌پردازد؛ در آثاری مانند:

۴.۱. سلطان لک‌لک<sup>۵</sup> (۱۸۸۷). ویلیام تگری<sup>۶</sup> (۱۸۱۱-۱۸۶۳)، از نویسندگان انگلیسی سده نوزدهم، طنزپرداز قهاری بود. اثری که در آن از سعدی و حافظ نام می‌برد سلطان لک‌لک است. «این اثر به سبک هزارویک شب نوشته شده است اما نوع شخصیت‌پردازی فکاهی اثر و کلمات و اصطلاحات آن از نوع انگلیسی مدرن و گاهی حتی بسیار عامیانه است، به گونه‌ای که به نظر می‌رسد کل اثر نقیضه‌ای بر هزارویک شب است» (میستر ۵۶). تگری در این اثر آورده است:

صدای آواز خواندن درویشی به گوش می‌رسید که اشعار سعدی را با لحن سوزناکی می‌خواند. یک درویش مقدس، کهنسال و عالم که قادر بود در زیر نور آفتاب هر زبانی را بفهمد. (تگری ۷۴۳)

اصل و اساس این قصه به عنصر پیکرگردانی بازمی‌گردد که در داستان‌های تخیلی هزارویک شب به‌وفور اتفاق افتاده است.

1. "Les roses d'Ispahan" 2. Charles Marie Rene Leconte de Lisle 3. "Les Roses de Saadi"  
4. Marceline Desbordes Valmore 5. Sultan Stork 6. William Makepeace Thackeray

۴.۲. سرگذشت سار سفید<sup>۱</sup> (۱۸۵۳). آلفرد دُ موسه<sup>۲</sup> (۱۸۱۰-۱۸۵۷) شاعر، رمان‌نویس و نمایش‌نامه‌نویس پرکار عهد رمانتیسیم فرانسه بود. او در این اثر از سعدی نام می‌برد و یکی از شخصیت‌های داستان گویا خود سعدی است. از زبان بلبل چنین می‌نویسد:

من عاشق گل سرخ هستم. سعدی، شاعر پارسی، وصفش را گفته است. (موسه ۲۹)

سرگذشت سار سفید داستانی کوتاه به شیوه فابل و از زبان پرندگان است که منطق‌الطیر عطار را به یاد می‌آورد. هرکدام از پرندگان در این منظومه تمثال یکی از شعرای زمان و بلبل، در مقام بهترین پرنده، استعاره از سعدی است.

۴.۳. بی‌ریشه‌ها<sup>۳</sup> (۱۸۹۷). موريس بارس<sup>۴</sup> (۱۸۶۲-۱۹۲۳) سیاستمدار، خبرنگار و نویسنده شرق‌شناس فرانسوی بود. آثار مولانا، سعدی و شاهنامه فردوسی بسیار مورد توجه وی واقع شد. او در کتاب مذکور از سعدی و گلستان نام برده است:

به یاد می‌آورم مادر عزیزم که بسیار زیبا بود، زمانی که من با جعبه‌های زیبای رنگی در کنار او بازی می‌کردم و خودم را سرگرم می‌کردم، برایم از داستان‌های کتاب گلستان می‌خواند. (بارس ۱۰۲)

## ۵. استفاده از نام اماکن و شخصیت‌های شاخص، مانند:

۵.۱. سهراب گروگان<sup>۵</sup> (۱۸۳۲). جیمز موریه<sup>۶</sup> (۱۷۸۰-۱۸۴۹) فرستاده سیاسی دولت بریتانیا به سرزمین‌های شرقی بود لیکن وی بیشتر به رمان‌هایی که بعدها نوشته است شناخته می‌شود. یکی از آثار قابل توجه، لیکن نه‌چندان معروف موریه، کتاب سهراب گروگان است. شیوه مؤلف در خلق این اثر ادغام برخی وقایع و شخصیت‌های تاریخی با افسانه و داستان‌پردازی است. او در این اثر، علاوه بر آنکه عنوان کتاب و فضای آن را شرقی آفریده است، از نام برخی شخصیت‌های اسطوره‌ای مانند زال و سهراب نیز بهره گرفته است.

۵.۲. اشعار سر جان ملکم<sup>۷</sup> (۱۷۶۹-۱۸۳۳). ملکم خاورشناس انگلیسی است که در کسوت سیاست به ایران سفر کرد و کتاب تاریخ ایران<sup>۸</sup> (۱۸۱۵) را همچون رهاورد سفرهای خود نوشت. ملکم همچنین اشعاری در وصف ایران و تاریخ و ادبیات و شاعران سروده است:

سرزمین پارس دارای شکوه خیره‌کننده‌ای از نبوغ مردمانش است:

چون فردوسی و اشعارش و تندیس‌هایی که داستان‌سرایی می‌کنند

و می‌گویند که رستم چگونه پیروز و سهراب چگونه کشته شد. (ملکم ۴)

ملکم در این اثر، علاوه بر تمجید از شاعران و شخصیت‌های ایرانی و وصف ایران و تاریخ و هنر و ادبیات آن، به توصیف تعدادی از شهرهای ایران نیز می‌پردازد.

1. *Histoire d'un merle blanche*

4. *Auguste Maurice Barres*

7. *Sir John Malcolm*

2. *Alfred de Musset*

5. *Zohrab the hostage*

8. *The History of Persia*

3. *Les D'eracin'es*

6. *James Jastinian Morier*

۵.۳. لاله‌رخ<sup>۱</sup> (۱۸۱۷). تامس مور<sup>۲</sup> (۱۷۷۹-۱۸۵۲) شاعر انگلیسی‌زبان و ایرلندی تبار سده نوزدهم و از بانیان جنبش رمانتیسزم در اروپاست. محصول مطالعات چندین‌ساله این ادیب ایرلندی در رمانی به نام لاله‌رخ تجلی یافته است. پاره‌ای از این اثر:

چون آن زیباروی تلاش بی‌محابای مرد عاشق را مشاهده‌کرد،

...کمند گیسوان مشکین خود را برای او به پایین سرازیر کرد. (مور ۱۸۳)

منظومه لاله‌رخ روایتی حماسی، عاشقانه و تخیلی است که میزان اطلاع و دانش تامس مور از ادبیات و دنیای شرق را نمایش می‌دهد. او شعر فردوسی و حافظ و سعدی و جامی را به خوبی می‌شناخت و از آنان به بزرگی و توانمندی و حکمت یاد می‌کند. علاوه بر این، آشکارا از برخی داستان‌های شاهنامه چون قیام کاوه بر ضحاک و داستان زال و رودابه (قطعه بالا) اقتباس می‌کند یا از سیمرغ و ققنوس و رستم و دیو سپید و جام جهان‌نمای جمشید در خلال داستان‌هایش نام می‌برد.

#### ۶. تضمین کلام با حکایت‌های مشهور فارسی، مانند:

۶.۱. نامه‌های لی هانت<sup>۳</sup> (۱۷۸۴-۱۸۵۹). هانت ادیب، منتقد و مقاله‌نویس انگلیسی سده نوزدهم به شعر شرقی توجه داشت. آثار وی حاکی از وقوف او بر تاریخ و ادبیات فارسی و عربی است. هانت در نامه‌ای به یکی از دوستانش از حکایت دادرسی سلطان محمود یاد کرده است. پاره‌ای از این قصه:

این حاکم شایسته بود که بر ایالتی عظیم چون قلب و سیعش و با آزادی بی‌انتهایش فرمانروایی کند. لیکن این حاکمان وقتی از شکوه و جلال سلطنت عاری می‌شوند چگونه در چشم دیگران ارزیابی می‌شوند؟ (هانت ۶۳)

او در این نامه سلطان محمود و شیوه دادرسی وی را از نوادر معرفی می‌کند. از نظر هانت، این حکایت نشانه نهایت عقل و خرد در حین عصبانیت و تألم و نماد آزاداندیشی در عین اصول‌گرایی برای کل بشریت است. وی همچنین حکایاتی از برخی عرفا چون ابراهیم ادهم در آثارش گنجانده است.

۶.۲. شعرهایی از منابع شرقی<sup>۴</sup> (۱۸۲۴). ریچارد چنویکس ترنچ<sup>۵</sup> (۱۸۰۷-۱۸۸۶)، کشیش انگلیسی سده نوزدهم، در آثارش نشان می‌دهد که با ادبیات فارسی و شاعران ایرانی و عقای<sup>۶</sup> و اندیشه‌های آنان، به‌ویژه در عرفان و تصوف، آشنا بوده است. مجموعه اطلاعات و اشعار ترنچ در این باب در اثری به نام شعرهایی از منابع شرقی گرد آمده است. پاره‌ای از این اثر که برگردانی از داستان «موسی و شبان» مثنوی است:

روزی موسی بر صخره‌های شیب‌دار کوه «هورب» ایستاده بود.

1. Lalla Rookh

4. Poems from Eastern Sources

2. Thomas Moore

5. Richard Chenevix Trench

3. James Henry Leigh Hunt

شاهد مردی تنها بود که از گله گوسفندان شعیب نگهداری می‌کرد.  
چون گوسفندانش در حال گذر از چاله‌ها و دره‌های آن کوه بودند  
صدای آنها و زنگوله‌هایشان نوایی در دشت و کوهستان ایجاد کرده بود. (ترنج ۵۸)  
او در این اثر که مضامین آن از عنوانش هویداست، داستان‌هایی از اسکندر، هارون‌الرشید و  
سلطان محمود آورده و شعرهایی از گلستان سعدی و عطار و مولوی انتخاب کرده است.

#### ۷. تقلید آشکار، مانند:

۷.۱. «مردی که دیگر هرگز نخندید»<sup>۱</sup>. ویلیام موریس<sup>۲</sup> (۱۸۳۴-۱۸۹۶) از هنرمندان و شاعران قرن  
نوزدهم انگلستان و در زمره دوست‌داران ادبیات خاورزمین قلمداد می‌شود که در سال ۱۸۷۲ یک  
نسخه مصور از رباعیات خیام را به چاپ رساند. وی در حکایت یادشده طرحی از داستان روز  
شنبه هفت‌پیکر نظامی را ارائه کرده است. این داستان بخشی از مجموعه‌ای به نام بهشت زمین<sup>۳</sup>  
(۱۸۶۸-۱۸۷۰) است.

#### بخشی از این اثر:

در آن سایبان و بر اورنگی شگفت‌انگیز دوشیزه یگانه‌ای بر بالش‌ها تکیه داده بود،  
... بانویی که بهرام در چنین جایگاهی مشاهده می‌کرد جلو آمد و نزدیک شد  
و با چشمان زیبا و دوست‌داشتنی خود در مقابل او ایستاد. (موریس ۱۸۸)

اثرپذیری ویلیام موریس از داستان روز شنبه کتاب هفت‌پیکر به وضوح دیده می‌شود. هر دو  
داستان در سرزمین هندوستان رخ می‌دهند و محور آنها قصری عجیب است. شخصیت اصلی هر  
دو داستان بهرام نام دارد و ساختار و شالوده هر دو اثر نزدیک و مشابه است.  
۷.۲. ثعلبه ویرانگر<sup>۴</sup> (۱۸۰۱). روبرت سائی<sup>۵</sup> (۱۷۷۴-۱۸۴۳) شاعر و تاریخ‌دان انگلیسی سده نوزدهم  
بود. او آثاری در قالب‌های گوناگون شعر، داستان، تاریخ، زندگی‌نامه، ترجمه و نقد آفریده و همواره در  
آنها به ادبیات شرقی نظر داشته است. «رابرت سائی در دو اثر خود یعنی ثعلبه و نفرین کاهاماً از اساطیر  
ایران بهره برده است» (یوحنا ۳۷۰). این دو اثر در قالب اشعار بلند نشان از منابع غنی و خوبی دارند  
که وی در این زمینه می‌شناخته است.

#### بخشی از داستان ثعلبه:

مرغ کهن‌سال در مقابل جوان چشمان متفکر خود را گشود و به تقاضای او بدین‌گونه پاسخ داد:  
جریان این رود را به سمت شمال پیش بگیر. در سرچشمه رود، میان صخره‌ها، تمام آرایش‌های دنیوی  
را از خود بزدا و بشوی. همان‌جا زانو بزن و پروردگار را جست‌وجو کن و با نیایش به درگاه او روح  
خود را تقویت کن. (سائی ۲۲۶)

1. "The Man who Never Laughed Again"  
4. *Thalaba the destroyer*

2. William Morris  
5. Robert Southey

3. *The Earthly Paradise*  
6. *The Curse of Kehama*

«طبقه‌بندی نظام کیهانی دین زرتشت و کیش مانوی و زروانی، که بر بنیاد دو نیروی نور و ظلمت است، اساس داستان‌سرایی مؤلف بوده است» (آزادی ده‌عباسانی، ۱۴۰۰: ۵۷). این اثر از دو شخصیت سیمرخ و ضحاک در شاهنامه فردوسی نیز بهره‌ بسیاری برده است.  
۷.۳. سلطان لک‌لک. در این اثر تقلید از هزار و یک‌شب آشکار است.  
۷.۴. لاله‌رخ. شکلی از داستان زال و رودابه در این اثر دیده می‌شود.

#### ۸. تبعیت در فرم و قالب، مانند:

۸.۱. «در ستایش ونوس»<sup>۱</sup> (۱۸۶۶). الگرنون چارلز سوین‌برن<sup>۲</sup> (۱۸۳۷-۱۹۰۹)، نویسنده، منتقد و شاعر پرکار انگلیسی، «جزو اولین کسانی بود که به ارزشمندی اشعار فیتزجرالد پی‌برد و آنها را تعالی ظرافت، نهایت شناخت و ترجمه‌کمال زیبایی نامید» (مارتین<sup>۳</sup> ۱۱۸). وی مجذوب فرم قالب رباعی فارسی شد که منجر به سرایش شعر «در ستایش ونوس» شد.  
نمونه‌ای از رباعیات وی:

در آن جایگاهی که می‌بینی، روزگاری، خان‌زادگانی در کمال بزرگی و صلابت می‌نشستند.  
و بانوانی بودند که ملکه‌های خوبروی سرزمین‌های سبز قلمداد می‌شدند.  
لیکن آنان، اکنون، همگی از فرارگرفتن در خاک سیاه‌روی و خاکستری گشته‌اند؛  
اکنون غبارگرفته و بریان‌اند و تنها جامه‌ای از ریگزارها بر تن دارند. (سوین‌برن ۱۰)

شاعر در این اثر تمام فنون سرایش رباعی را هم در فرم و قالب و هم در مضامین و مفاهیم به‌خوبی مراعات کرده است.

۸.۲. آنری کرلیس نیز، که پیش از این معرفی شد، تحت‌تأثیر خیام اشعاری دارد که هم در فرم و هم در محتوا چون رباعی است.

#### ۹. بهره‌وری واژگانی از مؤلفه‌های آیینی ایرانی، مانند:

۹.۱. رمان نایتمر آبی<sup>۴</sup> (۱۸۱۸). تامس لاو پیکاک<sup>۵</sup> (۱۷۸۵-۱۸۶۶) شاعر و نویسنده طنزپرداز مکتب رمانتیسیم در انگلستان بود. او همواره به اسطوره‌های ایران باستان و به آیین زرتشتی علاقه‌مند بود. نمود این اثرپذیری در تعدادی از رمان‌های وی مشهود است. از آن جمله می‌توان به رمان نایتمر آبی اشاره کرد:

آقای «توباد» معتقد به هزاره‌مانویت است. او دوازده قطعه از دوازده فصل مکاشفه را همواره بر زبان می‌راند. (پیکاک ۱۷)

1. "Laus Veneris"  
4. *Nightmare Abbey*

2. Algernon Charles Swinburne  
5. Thomas Love Peacock

3. Martin

رمان نایتمر آبی یکی از مشهورترین آثار پیکاک است. این رمان از آنجا با آیین زرتشتی پیوند می‌یابد که نویسنده اطلاعات خود را در این زمینه از زبان یکی از شخصیت‌های اثر به نام آقای توباد بیان می‌کند که به اهریمن به عنوان خدای تاریکی‌ها و اورمزد به عنوان خدای نور معتقد است.

۹.۲. نمایش‌نامه مانفرد<sup>۱</sup> (۱۸۱۷). جورج گوردون لرد بایرون<sup>۲</sup> (۱۷۸۸-۱۸۲۴)، ادیب نامدار سده نوزدهم و یکی از ارکان جنبش رمانتیسم در انگلستان، نیز تحت تأثیر ادبیات شرقی بود. در نمایش‌نامه مذکور، شخصیت «اهریمن»، «دیوان» و «ارواح» از روی اندیشه‌های زرتشتی در منابعی چون شاهنامه الگوبرداری شده است. همچنین استفاده از واژگانی چون «مجوسان»، «دهقانان» و... نمودار بهره‌وری واژگانی بایرون از منابع شرقی است.

ارواح هفتگانه، زمین، اقیانوس، آسمان، شب، کوه‌ها، باد و ستاره سرنوشت تو، همه آماده و گوش به فرمان تو اند، ای فرزند خاک. (بایرون ۱۲)

#### ۱۰. بهره‌وری از واژه‌های عاریتی

در متن‌های نویسندگان اروپایی، علاوه بر دیگر اثرپذیری‌ها، گاه کلماتی فارسی به چشم می‌خورد که به خط بیگانه درآمده است. به عنوان مثال:

۱۰.۱. لرد تینسون واژه‌های «بلبل» و «گلستان» را ترجمه نکرده و آنها را به شکل Bullbul و Gulistan آورده است.

۱۰.۲. در داستان سلطان لک‌لک و یلیام تگری تعداد فراوانی از واژه‌هایی چون Canary, Divan, Sultan به کار رفته است.

۱۰.۳. اوژن مانوئل در اشعارش از واژه Derviche استفاده کرده است.

#### ۱۱. ساختار شرقی اثر

در این نوع اثرپذیری، متن نویسنده اروپایی مجموعه‌ای کاملاً شرقی است و عنوان و محتوا و مضمون آن مملو از نشانه‌های ادبیات و فرهنگ فارسی و شرقی است. مانند:

۱۱.۱. رمان حاجی بابای اصفهانی<sup>۳</sup> (۱۸۲۴). این رمان جیمز موریه که تصویری از شرقیان و ایرانیان برای جهان غرب ترسیم می‌کند، گرچه با تعصب، بدبینی و اغراق فراوان همراه است موردپسندترین و مقبول‌ترین تعریف ممکن از شرق از دیدگاه اروپاییان است. از این‌رو، بزرگان ادبیات اروپا این اثر را شاهکار خوانده و از آن تمجید فراوان به عمل آورده‌اند.

بخشی از متن اثر:

1. *Manfred*

2. *Georg Gordon Byron*

3. *The Adventures of Hajji Baba of Isphahan*

در عالم سخن‌دانی هم، از برکت نفس آخوند، صحبت خود را مناسب کلام از اشعار شعرای بنام، خاصه از سخنان شیخ سعدی و خواجه حافظ، نمکین و رنگین می‌نمودم. (موریه ۳۲)

روایت این اثر، تحت تأثیر هزارویک شب، به شیوه داستان در داستان است. علاوه بر این، نویسنده اشعار حافظ و سعدی را می‌شناخته و در همین بند به آنها اشاره کرده است. در کل، اطلاعات دقیق و شگفتی در باب آداب و رسوم و اماکن و آثار و فرهنگ و مذهب و باورها و خلق و خوی ایرانیان در کتاب وجود دارد.

۱۱.۲. داستان‌های «پیامبر نقاب‌دار خراسان» و «آتش پرستان». منظومه لاله‌رخ از تامل مور چهار بخش اصلی دارد که دو داستان مذکور جزو آن هستند. «پیامبر نقاب‌دار خراسان» در باب قیام مقنع در خراسان در برابر حکومت اعراب در ایران است. داستان «آتش پرستان» نیز از نظر مطابقت با آیین‌های کهن ایرانی - اوستایی، مهم‌ترین داستان شرق‌شناسانه لاله‌رخ قلمداد می‌شود. قهرمانانی که تامل مور در این داستان توصیف می‌کند بسیار به پهلوانان شاهنامه و سرداران واقعی ایرانی در تاریخ در جریان مقاومت در برابر اعراب شباهت دارند. همچنین شکلی از داستان زال و رودابه در لاله‌رخ دیده می‌شود.

۱۱.۳. داستان‌های آسیایی<sup>۱</sup> (۱۸۷۶). کنت ژوزف آرتور دُ گوبینو<sup>۲</sup> (۱۸۱۶-۱۸۸۲)، شاعر، نویسنده و ایران‌شناس فرانسوی در زمان ناصرالدین‌شاه به عنوان رجل سیاسی دولت فرانسه دو بار و به مدت چند سال به ایران سفر کرد. زندگی در ایران وی را شیفته مردم و فرهنگ و آثار این سرزمین ساخت. کتاب داستان‌های آسیایی اثری است که کل حوادث آن در باب مردمان ایران، قفقاز و ترکمن است. نمونه‌ای از متن اثر:

قد و قامت بلند، چشمان بزرگ و تیزبین، ابروان قلمی کشیده، سبیل باریک و بلند و صورت سبزه محسن ثابت می‌کرد که او از اولاد و اعقاب همان تیره از ایرانیان است که در شمال شرق خراسان سلطنت با عظمت پارت را با شمشیر دشمن‌گداز و تیر و کمان جگرسوز خویش بنا گذاشتند. (گوبینو ۵)

## ۱۲. اثرپذیری مستتر

در این حالت، در متن نگارش‌یافته، به اسامی و نشانه‌های شعر فارسی مستقیم اشاره نمی‌شود لیکن کل اثر در توصیفات و تخیلات و تصویرسازی‌ها به آثار شرقی و فارسی بسیار نزدیک است. استخراج این نوع تأثیرپذیری به تحلیل و ظریف‌بینی ویژه‌ای نیاز دارد. مانند:

۱۲.۱. دریاورد فوتوت<sup>۳</sup> (۱۷۹۸) و قطعه «قوبلای خان»<sup>۴</sup> (۱۷۹۸). سموئل تیلور کالر ریچ<sup>۵</sup> (۱۷۷۲-۱۸۳۴)، شاعر و منتقد ادبی انگلیسی، به شعر شرقی توجه داشت. او از بانیان مکتب

1. *Les Nouvelles Asiatiques*

2. Joseph Arthur de Gobineau

3. *The Rime of the Ancient Mariner*,

4. "Kubla Khan"

5. Samuel Taylor Coleridge

رمانتیسیم محسوب می‌شود. خیال‌انگیز بودن آثار کالریج ناشی از مطالعه و علاقه‌مندی او به کتاب هزارویک شب است. منظومه داستانی - تخیلی «قوبلای خان» از آثار قابل توجه این شاعر است:

آه و افسوس از آن شکاف عمیق و شگرف که رود از آن سرازیر شده،  
چونان واویلای زنی که برای عاشق شیطانی خود شیون سر می‌دهد. (فنتون<sup>۱</sup> ۲۰)

علاوه بر اینکه کل منظومه در باب یک امپراتور مغول و مربوط به سرزمین‌های شرقی است، عبارت‌هایی از آن نیز یادآور آثار شرقی است. مثلاً زنی که در شعر برای عاشق شیطانی خود شیون می‌کند، یادآور داستان «گدای دوم» از داستان‌های هزارویک شب است که در آن، زنی در بند عفريت عاشقی گرفتار آمده و مدام در شیون و زاری است. به طور کلی، خصیصه بارز رازآلود بودن و ابهام داشتن شعر تحت تأثیر داستان‌های تخیلی هزارویک شب است. این تأثیرپذیری در دیگر اثر کالریج، یعنی دریاورد فرتوت، نیز دیده می‌شود که حاوی مضامین رازآلود و ماجراجویانه شرقی است. پس از مطالعه این داستان، قطعاً حکایت سندباد در ذهن خواننده تداعی می‌شود و عناصر و اجزایی وجود دارد که مجموع آن یادآور متون عرفانی فارسی است، مانند اینکه کل داستان تمثیلی و نمادین است، مرغ نقش راهنما دارد، استفاده از عدد هفت که در متون عرفانی عدد مقدسی است و...

۱۲.۲. نمایش‌نامه مانفرد. در این اثر، برخی واژه‌ها و شخصیت‌ها یادآور متون شرقی است لیکن نویسنده اصراری بر هویداسازی این اثرپذیری ندارد. انفعال وی در برابر اندیشه‌های شرقی در کلیت اثر پدیدار می‌شود و درک و دریافت آن حاصل خوانش چندباره متن و آشنایی کافی با متون شرقی است. بسامد تبلور نشانه‌های ادبیات شرقی و پارسی در مانفرد خواننده را بدین سو سوق می‌دهد که این نمادها حاصل گرد آمدن بسیاری از آموزه‌های ادبیات ایرانی در ناخودآگاه مؤلف است. (آزادی‌ده‌عباسانی، ۱۳۹۹: ۲۰۵)

۱۲.۳. آثاری از آلفونس دُ لامارتین. برخی متون آثار او حال و هوای اشعار غنایی ایران را به ذهن متبادر می‌کند. منتخبی از منظومه «خاطرات کودکی»:

بسی شب‌ها در زیر این قبه بلورین بی‌انتها، که هیچ چیزش قدرت تیره کردن ندارد، نشسته و آفاق بی‌کران طبیعت را با بال‌های تندرو خیال درنوردیده‌ام. (لامارتین ۳۶)

بخشی از «آسمان شب»:

ای ستاره درخشان آسمان که دیدگان کوتاه‌بین بشر تو را جز به چشم اختری بی‌حاصل نمی‌بیند، تو بالاترین معمای جهان آفرینش هستی! برای چه چنین دیوانه‌وار در این راه مرموز پیش می‌روی و لحظه‌ای در سیر دوارانگیز خویش برجای نمی‌ایستی؟ (همان ۴۹)

نیز برخی اندیشه‌های لامارتین خیام‌وارانه است، چون این پاره که از قطعه «شاخه بادام» گزینش شده است:

گوش فرا دار تا بشنوی که هر گلی که دستخوش این تندباد یغماگر می‌شود، پیش از آنکه قدم در وادی نیستی گذارد، چه می‌گوید: بکوشید تا این چند روزه عمر را با شادمانی به سر برید. (همان ۷۶)

توصیف طبیعت و آسمان و تشبیه آن به گنبد و گوی بلورین و تشبیه ستارگان به چهره تابناک زیبارویان، اشاره به شب زنده‌داری و رصد آسمان همراه با خیال‌پردازی، همگی شیوه‌هایی هستند که در اشعار پارسی مکرر به کار رفته‌اند. لامارتین همچنین در اشعارش، چون ادبیات عرفانی پارسی، به مناجات و تعظیم پروردگار نیز پرداخته است و از تسبیح و شکرگزاری موجودات سخن گفته است که این مفهوم در آثار ایرانی و به طور مشخص در اشعار سعدی و مولانا بسیار دیده می‌شود.

۱۲.۴. آثار الکساندر کوپه دُ سن دوناً<sup>۱</sup> (۱۷۷۵-۱۸۴۵). دونا شاعری فرانسوی بود که آثاری به شکل فابل و با همین عنوان نوشته است که در آنها تحت تأثیر سعدی و داستان‌هایی چون کلیله و دمنه است. «او برخی از مضامین حکایات گلستان را برگزید و بر اساس آنها داستان‌هایی انتقادی و پندآمیز ساخت، مانند داستان موش و گربه.» (حدیدی ۹۷)

تأثیر ادبیات فارسی بر این داستان‌ها اغلب مستقیم یا به شکل ترجمه متن نیست بلکه حکایت‌ها به سبب فضاسازی و مشخصاتی چون اندرزگویی، کوتاهی، و غافلگیر ساختن مخاطب، به شیوه حکایت‌پردازی در کلیله و دمنه و گلستان میل می‌کنند.

### نتیجه‌گیری

در قرن نوزدهم، آثار متعددی تحت تأثیر زبان و ادبیات فارسی در جامعه ادبی اروپا پدید آمد که عمدتاً در مکتب رمانتیسیسم و به دنبال آشنایی با دستاوردهای علمی و تحقیقی خاورشناسان خلق شد. مایه کیفی و کمی این خصیصه در آثار تعدادی از نویسندگان به قدری بود که از هر یک از آنها تحت عنوان ادیبی متأثر از زبان و ادبیات فارسی یاد شده است و آثار آنها قطعاً درخور پژوهش‌های این حوزه ادبیات تطبیقی است.

از کشور انگلستان، متیو آرنولد، ادوارد هنری پالمِر، سر ادموند گاس، تینسن، ویلیام تکر، جیمز موریه، سر جان ملکم، تامس مور، لی هانت، چنویکس ترنچ، ویلیام موریس، رابرت سائی، سوین‌برن، تامس لاو پیکاک، لرد بایرون و تیلور کالریج؛ از کشور فرانسه، اوژن

مانوئل، آلفونس دُ لامارتین، فرانسوا کوپه، ویکتور هوگو، موریس بوشور، آندره بلسور، آنری کزلیس، تئوفیل گوتیه، پواسن دُ لاشابوسیه، آرمان رنو، لُکننت دُ لیل، دبورد والمور، آلفرد دُ موسه، موریس بارس، موریس مترلینگ، کنت دُ گوبینو، و کوپه دُ سن دونا؛ از آلمان فریدریش نیچه، هاینریش هاینه و یوهان ولفگانگ فون گوته از بزرگ‌ترین اثرپذیران از ادبیات و زبان فارسی در طول سده نوزدهم بودند که نشانه‌های این اثرپذیری در یک یا چند اثر آنان، با شدت و ضعف‌های متفاوتی، نمود یافته است.

با بررسی و تفحص کتاب‌های ادیبان نامبرده ذیل دسته‌بندی ویژه‌ای، خاص پژوهش حاضر، روشن شد که اثرپذیری از ادبیات فارسی در این آثار، به طور کلی، یا به شکل **واژگانی** است یا در **لایه‌های فکری و ادبی**. همچنین دسته‌ای از اثرپذیری‌ها **مبرهن و آشکارند** و تعدادی در متن اثر **مستترند** و به باریک‌بینی و تشریح اجزا و عناصر متن نیازمندند. در مقاله حاضر، دسته‌بندی تخصصی‌تر و جزئی‌تری در دوازده رده برای سهولت کشف رابطه مستقیم دو متن صورت پذیرفته است.

بر این اساس، دسته‌ای از آثار به ترجمه آزاد اشعار فارسی اختصاص دارد، مانند ترجمه سهراب و رستم آرنولد و شعرهای خانه و مدرسه اوژن مانوئل که ترجمه‌ای است از حکایت‌های سعدی، و نیز اشعار فراوان هنری پالمیر. یک نمودار اثرپذیری از شعر فارسی در آثار قرن نوزدهم، که بسامد زیاد دارد، تمجید و بزرگداشت شاعران ایرانی است. لامارتین، کوپه و هوگو در آثار خود فردوسی را تحسین کرده‌اند و نیچه و گوته به صراحت حافظ را ستوده‌اند. آنری کزلیس نیز به تمجید از خیام و حافظ پرداخته است. تمجید از خیام به شکل گسترده‌تری در آثار موریس بوشور و تئوفیل گوتیه نیز دیده می‌شود.

یکی دیگر از شاخه‌های اثرپذیری از زبان و ادبیات فارسی نمود یک واژه یا اصطلاح شرقی در عنوان اثر است، مانند فردوسی در تبعید، «انعکاسات هزارویک‌شب»، «پارس»، «محلل سمرقند»، «شب‌های پارسی»، «گل‌های اصفهان»، «گل‌های سعدی» و قطعه «فردوسی شاعر». گاه ادیب اروپایی در لابه‌لای متن فقط به نام شاعران اشاره دارد؛ مثلاً در کتاب سلطان لک از سعدی و حافظ نام برده شده است. نام سعدی در آثار آلفرد دُ موسه و موریس بارس نیز آمده است. در پاره‌ای از آثار، نام شخصیت‌های آثار فارسی یا نام اماکن فارسی آمده است. این عناوین در آثار جیمز موریه و سرجان ملکم و تامس مور به وفور دیده می‌شود. برخی از ادیبان اروپایی برای تضمین کلام از حکایت‌های فارسی بهره گرفته‌اند، مانند حکایت دادرسی سلطان محمود و حکایت ابراهیم ادهم در آثار لی هانت یا داستان موسی و شبان در منابعی از شعر شرقی ترنج. فرم و قالب شعر فارسی، مثلاً رباعیات خیام، در اشعار آنری کزلیس و

سویین برن کانون توجه بوده است. تعدادی از شاعران در سطح واژگانی از مؤلفه‌های آیینی پارسی و شرقی بهره برده‌اند، مانند رمان نایتمر آبی و نمایشنامه مانفرد، که به عناصر آیین زرتشتی توجه دارند. گاه نیز ادیب اروپایی وام‌واژه‌های فارسی را با رسم‌الخط لاتین در اثرش می‌آورد. ویلیام تکرر، لرد تنیسن، و اوژن مانوئل از این شیوه استفاده کرده‌اند. برخی آثار نیز چون رمان حاجی بابای اصفهانی، داستان‌های آسیایی گوینو و بخش‌هایی از لاله‌رخ دارای ساختار کاملاً شرقی هستند. علاوه بر اینها، تقلید از آثار فارسی یکی از شیوه‌های متداول اثرپذیری است. این روش در برخی آثار مبرهن و قابل تشخیص است، مانند تقلید داستان «مردی که دیگر هرگز نخندید» از داستان روز شنبه هفت‌پیکر نظامی و نیز تقلید دلدادگی زال و رودابه در بخش‌هایی از لاله‌رخ. رابرت سائی نیز در منظومه ثعلبه ویرانگر از داستان فریدون و ضحاک تقلید کرده است.

گاهی اثرپذیری آشکار نیست بلکه در لایه‌های کلام مستتر است و کشف و شناسایی آن به تحلیل و موشکافی متن نیاز دارد. کالریج در داستان دریانورد فرتوت به هزارویک شب نظر دارد، بایرون در نمایشنامه مانفرد تحت نفوذ اندیشه‌های زرتشتی و عرفانی فارسی است و لامارتین نیز در دامنه وسیعی از آثار خود از عناصر و افکار ویژه متون فارسی چون اشعار غنایی و عرفانی و تفکر خیامی به شکل مستتر بهره گرفته است.

## منابع

- آذر، امیر اسماعیل (۱۳۸۷)، ادبیات ایران در ادبیات جهان، تهران، سخن.
- آرنولد، ماتیو (۱۳۵۳)، سهراب و رستم، ترجمه منوچهر امیری، ج. ۳. شیراز، انتشارات دانشگاه پهلوی.
- آزادی ده عباسانی، نجیمه و دیگران (۱۴۰۰). «اثرپذیری ساختاری - روایی رابرت سائی در منظومه حماسی ثعلبه ویرانگر از شاهنامه فردوسی»، پژوهشنامه ادب حماسی، دوره ۱۷، ش ۱، بهار، ص ۳۹-۶۱.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۹)، «تحلیل نمایشنامه مانفرد اثر لرد بایرون بر اساس تأثیرپذیری از ادبیات پارسی و شرقی»، پژوهش‌های ادبیات تطبیقی، دوره ۸، ش ۳، (پیاپی ۲۵)، پاییز، ۱۸۶-۲۰۸.
- بایرون، جورج گوردن (۱۳۹۵)، مانفرد. ترجمه حسن قدسی، تهران، نی.
- جوادی، حسن (۱۳۹۶)، تأثیر ادبیات فارسی در ادبیات انگلیسی. تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، سمت.
- حدیدی، جواد (۱۳۷۳)، از سعدی تا آراگون، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- زندلی، معصومه (۱۳۹۳)، «ترجمه شاهنامه و تأثیر آن در آثار هوگو، لامارتین و کوپه»، زبان و ادب فارسی، دوره ۶، ش ۱۸، بهار، ص ۴۷-۷۳.
- سعدی، مصلح‌الدین (۱۳۷۲)، کلیات سعدی، به‌کوشش محمدعلی فروغی، تهران، طلوع.

- شفا، شجاع‌الدین (۱۳۳۲)، ایران در ادبیات جهان، ج. ۱، تهران، کتابخانه ابن سینا.
- گوینو، ژوزف آرتور د (۱۳۵۰)، افسانه‌های آسیایی، ترجمه محمد عباسی، تهران، سینا.
- گوته، یوهان ولفگانگ فون (۱۳۹۴)، دیوان غربی - شرقی، ترجمه کورش صفوی، تهران، هرمس.
- لامارتین، آلفونس (۱۳۳۲)، نغمه‌های شاعرانه، ترجمه و نگارش شجاع‌الدین شفا، ج. ۷، تهران، کانون معرفت.
- موریه، جیمز (۱۳۵۴)، سرگذشت حاجی بابای اصفهانی، ترجمه یوسف رحیم‌لو، تبریز، حقیقت.
- موسه، آلفرد د (۱۳۹۶)، سرگذشت یک سار سفید، ترجمه محبوبه میدانی و محبوبه جرجانی، تهران، سپیده باوران.
- نیچه، فریدریش (۱۳۹۴)، اکنون میان دو هیچ، ترجمه علی عبداللهی، ج. ۶، تهران، جامی.
- هانیه، هاینریش (۱۳۴۴)، «فردوسی شاعر»، ترجمه احسان طبری، دنیا، دوره ۲، سال ۶، ش ۲، ص ۱۰۲-۱۰۴.
- یوحنا، جان (۱۳۸۵)، گستره شعر پارسی در انگلستان و امریکا، ترجمه احمد تمیم‌داری، تهران، روزن.

- <http://www.azonace.blogfa.com/post/548/2020>.
- Barres, Maurice (1897). *Les Deracines*. Paris: Bibliotheque-Charpentier.
- Bellessort, Andre (1849). *Mythes et Poèmes*. Paris: Alphonse Lemerre, Editeur.
- Bouchor, Maurice (1892). *Le Songe de Khèyam*. Paris: Lecène, Oudin et Cie.
- Fenton, James (2011). *Samuel Taylor Coleridge*. London: Faber and Faber Ltd.
- Gautier, Theophile (1877). *L'Orient*. Paris: G. Charpentier editeur.
- Goose, Edmund (1886). *Firdausi in Exile*. London: Kegan Paul, Trench & CO.
- Hunt, Leigh (1891). *Poems*. ed. by Reginald Brimley Johnson. London: J.M.Dent and Co.
- Malcolm, John (1814). *Persian: a poem*. London: J.Murray.
- Manuel, Eugene (1888). *Poesies Du Foyer et De L'cole*. Paris: Calmann Levy.
- Martin, William H and Sandra Mason (2011). *Edward FitzGerald's Rubaiyat Omar Khayyam*. London, New York, Delhi: Anthem Press.
- Meester, Marie E (1915). *Oriental Influences in the English Literature of the Nineteenth Century*. Heidelberg: C.Winter.
- Moore, Thomas (1817). *Lalla Rookh*. London: Longman, Hurst, Rees, Orme and Brown.
- Morris, William (1911). *The Collected Work of William Morris*. vol.5. London, New York, Bombay, Calcutta: Longmans Green and Company.
- Palmer, Edward Henry (1877). *The song of the reed and other pieces*. London: Trubner & co, Ludgate Hill.
- Peacock, Thomas Love (1818). *Nightmare Abbey*. London: T. Hookham.
- Southey, Robert (1809). *Thalaba the Destroyer*. London: Longman, Hurst, Rees, and Orme.
- Swinburne, Algernon Charles (1871). *Laus Veneris, And Other Poems and Ballads*. New York: Carleton.
- Tennyson, Alfred Browing Stanley (1912). *A Legend of Old Persia*. London: William Heinemann.

- Thackeray, William Makepeace (1898). *The Works of William Makepeace Thackeray*. Sketch books. ed. by Anne Thackeray Ritchie. vol.5. London: Smith, Elder, & Co.
- Trench, Richard Chenevix (1842). *Poems from Eastern Sources: The Steadfast Prince and Other Poems*. London: Edward Moxon.

